



دار الایمان قم افتخار دارد که تاریخ صدور شناسنامه‌اش از قدمت ۱۲۲۸ ساله برخوردار است. روز ۲۳ ربیع المولود امسال (برابر ۱۳ / ۱ / ۸۷ ش) همزمان با سالروز گرامیداشت ورود حضرت معصومه علیها السلام به شهر تاریخی قم، شناسنامه قم ۱۲۲۸ ساله می‌گردد. ویژگیهای شخصیت بزرگواری که به شهر قم هویت داده به شرح زیر است:

نام نامی‌اش: فاطمه
 لقب گرامی‌اش: معصومه
 پدر بزرگوارش: حضرت موسی

بن جعفر علیه السلام
 مادر گرامی‌اش: نجمه خاتون علیها السلام
 تاریخ تولدش: غزّه ذیقعدة الحرام ۱۷۳ ق.
 تاریخ ورودش به قم: ۲۳ ربیع المولود ۲۰۱ ق.
 تاریخ ارتحالش: دهم ربیع الثانی ۲۰۱ ق.
 و اینک ۱۲۲۸ سال تمام است که دار الایمان قم هویت خود را باز یافته و بر تمام شهرهای ایران فضیلت و برتری دارد و به جز شهر مقدس مشهد اقدس، هیچ شهر دیگری در سرزمین

۱۹، ص ۳۶۶) ولی اینک فقط به پنج باب از آن دسترسی داریم.

نسخه‌های دستنویس فراوانی از آن در کتابخانه‌های: ۱. آستانه حضرت معصومه علیها السلام؛

۲. مرعشی قم؛ ۳. سپهسالار؛ ۴. ملک؛

۵. دانشکده ادبیات؛ ۶. مرکزی دانشگاه تهران؛

۷. ملی تهران موجود است، که قدیمی‌ترین آنها

در ۲۱۸ برگ، به تاریخ کتابت ۸۳۷ ق. به شماره

۲۴۷۲ در کتابخانه ملی ایران نگهداری می‌شود.

نخستین چاپ آن با تحقیقات مرحوم سید جلال

الدین تهرانی (۱۲۷۲ - ۱۳۶۴ ش.) به سال ۱۳۵۳

ق. در ۳۴۷ صفحه و زبیری در تهران به طبع رسیده

و آخرین چاپ آن با تحقیقات محمدرضا

انصاری قمی در ۱۰۶۹ صفحه و زبیری به سال

۱۳۸۵ ش. از سوی کتابخانه آیه الله مرعشی در قم

منتشر شده است.

ابن طباطبای در کتاب «مستقلة الطالیبة» در قرن

پنجم از متن عربی آن بهره جست و علامه

مجلسی بیش از چهل حدیث از ترجمه فارسی

آن در کتاب بحار الانوار (جلد ۶۰) روایت کرده و

در جلد اول بر معتبر بودن آن تأکید کرده است.

افندی در ریاض العلماء، ج ۱، ص ۳۱۸، محدث

نوری در خاتمه مستدرک، ج ۱۹، ص ۳۶۵،

سیدمحسن امین در اعیان، ج ۵، ص ۲۴۶، تهرانی

در مصفی المقال، ص ۱۳۰ و الذریعه، ج ۳،

ص ۲۷۸، از اعتبار کتاب و شخصیت مؤلف آن

سخن گفته‌اند.

نگارنده مکرر از آیه الله شبیری زنجانی شنیده

است که از جایگاه رفیع این کتاب و اعتبار ویژه

آن سخن گفته است.

شاگرد مرحوم بحر العلوم و فرزند وحید بهبهانی

از اصل عربی آن، مطالب را نقل کرده و مرحوم

شیخ بزرگ فرموده: اگر چه اصل آن به دست

علامه مجلسی نرسیده، ولی بودنش در عصر ما

بعید نیست. (تهرانی، الذریعه، ج ۳، ص ۲۷۸).

پهناور ایران اسلامی یارای مباهات و یا

مساوات با آن را ندارد.

سیمای قم در آینه روایات

امام هادی علیه السلام در مورد وجه

تسمیه قم فرمودند: «إِنَّمَا سُمِّيَتْ قَمٌ بِهـِ،

لِأَنَّهُ لَمَّا وَصَلَتِ السَّفِينَةُ إِلَيْهَا فِي طُوفَانٍ

نُوحٍ عليه السلام قَامَتْ؛^۱ قم را از این جهت «قم»

نامیدند که چون کشتی حضرت

نوح علیه السلام در طوفان به این سرزمین

رسید، برخاست.»

امام صادق علیه السلام در مورد علت نام

گذاری قم فرمودند: «إِنَّمَا سُمِّيَتْ قَمٌ، لِأَنَّ

أَهْلَهَا يَجْتَمِعُونَ مَعَ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام

۱. تاریخ قم، حسن بن محمد بن حسن، ترجمه

حسن بن علی بن حسن، تحقیق سید جلال الدین

تهرانی، تهران، انتشارات توس، ۱۳۶۱ ش.

ص ۹۶.

کتاب «تاریخ قم» تألیف حسن بن محمد بن

حسن شبیبانی قمی، معاصر شیخ صدوق

دقیق‌ترین، کهن‌ترین و جامع‌ترین کتاب در

تاریخ قم می‌باشد.

مؤلف، آن را به سال ۳۷۸ ق. به زبان عربی برای

صاحب بن عبّاد (ق ۳۸۵) در بیست باب نوشته

است. (تهرانی، نوابغ الزّواة، ص ۹۹).

تاج الدین حسن بن علی بن حسن قمی نیز آن را

در سالهای ۸۰۵ - ۸۰۶ ق. به فارسی برگردانده

است. متن عربی آن در کشاکش روزگار از بین

رفته، فقط هشت باب آن به دست میرزا حسین

نوری رسیده است. (نوری، مستدرک الوسائل، ج

کرده، می فرماید: «هُمُ الْفُقَهَاءُ، الْعُلَمَاءُ، الْفُهَمَاءُ؛ أَنَانُ فُقَيْهَان، دَانَشُورَان و فرهیختگانند.»^۵

مولای متقیان در حدیث دیگری می فرماید: «تِلْكَ الْبَلْدَةُ الَّتِي يَخْرُجُ مِنْهَا أَنْصَارُ خَيْرِ النَّاسِ أَبَا وَأَمَّا وَجَدًا وَجَدَةً وَعَمًّا وَعَمَّةً، تِلْكَ الَّتِي تُسَمَّى «الزَّهْرَاءُ» بِهَا مَوْضِعُ قَدَمِ جَبْرِئِيلَ؛ آن همان شهری است که یاوران بهترین مردمان از جهت پدر، مادر، جد، جدّه، عمو و عمّه، از آن بیرون می آیند، و آن همان شهری است که «زهرا» نامیده می شود و در آن جای پای جبرئیل است.»

و در پایان فرمود:

«وَمِنْ ذَلِكَ الْمَوْضِعِ يَخْرُجُ كَنْبُشُ

وَيَقُومُونَ مَعَهُ، وَيَسْتَقِيمُونَ عَلَيْهِ وَيَنْصُرُونَهُ؛ قم را از این جهت «قم» نامیدند که اهل آن در اطراف قائم آل محمد علیهم السلام گرد می آیند و در رکاب او قیام می کنند و در یاری او استقامت می ورزند.»^۱

همچنین نقل شده است که: در شب معراج قطعه ای از کره زمین توجّه رسول اکرم صلی الله علیه و آله را جلب کرد، به جبرئیل فرمود: اینجا کجاست؟ عرضه داشت: «بُقْعَةُ شَيْعَتِكَ وَشَيْعَةِ وَصِيكَ عَلِيٍّ؛ [اینجا] جایگاه شیعیان تو و شیعیان وصی ات علی علیه السلام است.»^۲

و نقل شده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در شب معراج گنبد بسیار زیبایی را در آسمان چهارم مشاهده فرمود، از جبرئیل پرسید که این گنبد چیست؟ عرضه داشت: این تصویر شهر قم می باشد.^۳

در حدیث دیگری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از پیشی گرفتن قم به پذیرش ولایت امیر مؤمنان علیه السلام سخن گفته است.^۴

امیر مؤمنان، علی علیه السلام بر اهل قم درود فرستاده، دعای خیر نموده، آنها را به عنوان: اهل رکوع، خشوع، سجود، تهجد و روزه داری معرفی

۱. همان، ص ۱۰۰.

۲. علل الشرایع، شیخ صدوق، ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه، تحقیق سید محمدصادق بحر العلوم، نجف اشرف، مطبعة حیدریه، ۱۳۸۵ ق، ص ۵۷۲، باب ۳۷۳.

۳. الاختصاص، شیخ مفید، ابو عبد الله محمد بن محمد بن نعمان، تحقیق علی اکبر غفاری، چاپ قم، جامعه مدرسین، بی تا، ص ۱۰۱.

۴. تاریخ قم، ص ۹۴.

۵. مجالس المؤمنین، قاضی نور الله شوشتری، تحقیق سید احمد عبد منافی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۵ ش، اسلامیه، ج، ص ۸۳.

است که هر دو بالش را بر فراز قم می‌گستراند.^۷

۵. «قَسَمَ بِلَدُنَا وَيَلَدُ شِيعَتِنَا، مُطَهَّرَةٌ مُقَدَّسَةٌ، قَمِ شَهْرَ مَا وَ شَهْرَ شِيعِيَانِ مَاسْتِ كِه پَاكِزِه اَسْت.»^۸

۶. «أَلَا إِنَّ حَرَمِي وَحَرَمَ وُلْدِي مِنْ بَغْدِي قَم؛ أَگَاه بَاشِيد كِه حَرَمِ مَنْ وَ حَرَمِ فِرْزَنَدَانِمْ پَسِ اَزِ مَنْ قَمِ مِی بَاشِد.»^۹

۷. «فِي قَمِ شِيعَتِنَا وَمَوَالِينَا وَتَكْتُمُ فِيهَا الْعِمَارَةُ؛ دُوسْتَانِ وَ شِيعِيَانِ مَا دَرِ قَمِ هَسْتَنْد، عِمَارَتِ [وَ سَاخْتِمَانِ] دَرِ آنِ فِرَاوَانِ شُود.»^{۱۰}

۸. «قَمٌ يَظْهَرُ الْعِلْمُ بِبَلَدِهِ يُقَالُ لَهَا: «قَم»

إِبْرَاهِيمَ وَعَصَا مُوسَى وَخَاتَمَ سُلَيْمَانَ؛ قُوجِ حَضْرَتِ اِبْرَاهِيمِ، عَصَايِ حَضْرَتِ مُوسَى وَ اَنگَشْتَرِي حَضْرَتِ سَلِيمَانَ اَزِ هِمَانِ نَقْطِه بِيروُنِ مِی آيِد.»^۱

و در حدیث طولانی خروج سید حسنی و ورودش به قم را تشریح می‌فرماید.^۲ و در حدیث طولانی دیگری، از نصب رایت حضرت مهدی علیه السلام بر کوه سپید قم در نزدیکی دهی کهن که «جمکران» نام دارد و خروج آن حضرت از زیر یکی از مناره‌های مسجد جمکران به تفصیل خبر داده است.^۳

رئیس مذهب، امام جعفر صادق علیه السلام دهها حدیث پیرامون قم بیان فرموده که به برخی از آنها فقط اشاره می‌کنیم:

۱. «تُرْتَبَةُ قَمِ مُقَدَّسَةٌ؛ خَاكِ قَمِ مُقَدَّسِ اسْت.»^۴

۲. «أَهْلُ قَمِ أَنْصَارُنَا؛ اَهْلِ قَمِ يَاورَانِ مَا هَسْتَنْد.»^۵

۳. «قَاتَهَا مَاوَى الْفَاطِمِيَيْنِ؛ قَمِ جَايگَاهِ فَاطِمِيَانِ اسْت.»^۶

۴. «إِنَّ لَعَلِي قَمِ مَلَكًا يَرْفِرِفُ عَلَيَّهَا بِجَنَاحَيْهِ؛ فَرَشْتِه اِي بِه حِرَاسْتِ قَمِ مَوْكَلِ

۱. تاریخ قم، ص ۹۰.

۲. همان، ص ۹۸.

۳. انوار المشعشين، شيخ محمدعلي كچونى قمى، تحقيق محمدرضا انصارى، قم، انتشارات كتابخانه آية الله مرعشى، ۱۳۸۱ ش، ج ۱، ص ۴۵۴.

۴. تاریخ قم، ۹۳.

۵. همان، ص ۹۸.

۶. همان.

۷. همان.

۸. سفينة البحار، شيخ عباس قمى، چاپ قم، انتشارات اسوه، ۱۴۱۴ ق، ج ۷، ص ۳۵۹.

۹. بحار الانوار، علامه مجلسى، چاپ تهران، آخوندى، ۱۳۸۶ ق، ج ۶۰، ص ۲۲۸.

۱۰. تاریخ قم، ص ۹۹.

مطمئن بود، رشته اتصالی که بین ما و شماریشه دوانیده، مستحکم بود.^۷

پیشینه قم

قدمت شهر قم را برخی از مورخان بسیار زیاد دانسته، بنای آن را به «تهمورث» سومین پادشاه پیشدادی نسبت داده‌اند.^۸ در مقابل، برخی از مورخان آن را یک شهر تازه ساز و از آثار قرن اول هجری می‌دانند.

قدیمی‌ترین منبعی که قم را از شهرهای مستحدث اسلامی دانسته، سفرنامه منسوب به «ابی دلف» می‌باشد.^۹ یاقوت نیز این نظر را

وَتَصِيرُ مَعْدِنًا لِلْعِلْمِ... فَيَفِيضُ الْعِلْمُ مِنْهَا إِلَى سَائِرِ الْبُلْدَانِ؛ آنگاه علم در شهری به نام قم پدیدار گردد که مرکز دانش و فضیلت شود... پس دانش از آنجا به تمام سرزمینها سرازیر شود.^۱

۹. «وَاحْتَجَّ بِبَلَدِهِ قَمَ عَلَى سَائِرِ الْبِلَادِ؛ [خداوند] به وسیله قم بر همه شهرها احتجاج نمود.»^۲

۱۰. «لَوْلَا الْقَمِّيُّونَ لَضَاعَ الدِّينُ؛ اگر قمیها نبودند، دین تباہ می‌شد.»^۳

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام درباره قم فرمود: «قَمَ عَشُّ آلِ مُحَمَّدٍ وَمَأْوَى شِيعَتِهِمْ؛ قم آشیانه آل محمد و پناهگاه شیعیان آنهاست.»^۴

و درباره مردم آن فرمود: «حَمَّرَ اللَّهُ تَعَالَى وَلَايَتَنَا فِي طِينَتِهِمْ؛ خداوند ولایت ما را با آب و گل آنها آمیخته است.»^۵

به هنگام میلاد مسعود حضرت بقیة الله ارواحنا فداه، امام حسن عسکری علیه السلام به احمد بن اسحاق نامه می‌نویسد تا اهالی قم از ولادت آن حضرت مطلع شوند و خبر تولد آن حضرت در میان آنها شهرت پیدا کند.^۶

و در نامه دیگری می‌نویسد: همواره دل‌های ما به نیک اندیشی شما

۱. همان، ص ۹۵.

۲. همان.

۳. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۷.

۴. تاریخ قم، ص ۹۸.

۵. همان، ص ۱۰۰.

۶. کمال الدین، شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۵ ق، ج ۲، ص ۴۳۴، باب ۴۲، ح ۱۶.

۷. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، تحقیق دکتر یوسف بقاعی، بیروت، دار الأضواء، چاپ دوم، ۱۴۱۲ ق، ج ۴، ص ۴۵۸.

۸. نزهة القلوب، حمد الله مستوفی، چاپ اروپا، ۱۹۱۳ م، ص ۶۷.

۹. نسخه خطی آن در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.

سرزمین به ارمغان آورد، حتی یک نفر سنی در این شهر یافت نمی‌شود.^۳

اشعریها از اعراب قحطانی مقیم یمن بودند و بزرگ آنها مالک بن عامر از شیعیان خالص امیر مؤمنان علیه السلام بود. مالک دو پسر به نامهای: سعد و سائب داشت، سائب به همراه مختار ثقفی قیام کرد، از قاتلان کربلا انتقام گرفت و سرانجام به همراه مختار کشته شد.

فرزندان سعد به نامهای: «أحوص» و «عبدالله» در کنار امیر سیستان با حجاج بن یوسف جنگیدند و چون شکست خوردند به سوی قم عزیمت کردند. ورود ایشان به قم روز اول فروردین، مصادف با نوروز باستانی، به سال ۹۴ هجری اتفاق افتاد.^۴

به هنگام خروج زید بن علی علیه السلام

برگزیده و با قاطعیت قم را یک شهر مستحدث اسلامی معرفی کرده است.^۱ از بررسی اسناد و منابع استفاده می‌شود که در قرن دوم هجری نام «قم» به این سرزمین اطلاق می‌شد و در عصر ساسانی سرزمینی به نام «قم» نبوده است.

در دوران باستان این سرزمین را «برواستان» می‌گفتند و حوزه رستاقی آن را «کمیدان» و مرکز رستاق را «کم» می‌خواندند. از آثار به دست آمده ثابت می‌شود که قبل از اسلام شهر معتبری به نام: «کم» در بیست کیلومتری شهر فعلی قم وجود داشته است.^۲

گستره تشیع در قم

با ورود اشعریان به قم در سال ۹۴ ق. تشیع در این شهر رواج یافت و هنگامی که قدرت را به دست گرفتند، پایه‌های تشیع را در آن استحکام بخشیدند، تا جایی که یاقوت می‌نویسد: نخستین کسی که از اشعریان وارد قم شد «عبدالله بن سعد» است، او را پسری بود که در کوفه تربیت شده بود، هنگامی که از کوفه به قم مهاجرت نمود، تشیع را به این

۱. معجم البلدان، یاقوت حموی، ابو عبد الله شهاب الدین یاقوت بن عبد الله رومی بغدادی، تحقیق: وستفیلد آلمانی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۹ ق، ج ۴، ص ۳۹۷.

۲. بارگاه معصومه، بیژن سعادت، چاپ فلورانس - ایتالیا - ۱۹۷۷ م، ج ۱، ص ۴.

۳. معجم البلدان، ج ۴، ص ۳۹۸.

۴. تاریخ قم، ص ۲۴۲.

قم همانند یک کشور مستقل، در دوران خفقان اموی و عباسی اداره شود. اهل قم عقاید خود را بدون تقیّه ابراز می‌کردند، اخبار و احادیث اهل بیت را نشر می‌دادند، و آوای روح بخش شهادت به ولایت مولای متّقیان را بر فراز گلدسته‌ها به طور علنی طنین انداز می‌کردند.

اشعریان مکتب امامیه را در قم پی ریزی کردند، فقه شیعه را به طور رسمی تدریس نمودند، و مشعل نور افشان تشیّع را در سایر بلاد اسلامی پرتو افکن ساختند.

پرورش یافتگان این مکتب، حکومت‌های مستقل کوچکی در طبرستان، دیلمان، قزوین و زنجان به وجود آوردند که دامنه نفوذشان تا نیشابور گسترش یافت.^۲ با گسترش حوزه علمی شیعه در این سامان، به سال ۱۸۹ ق، قم رسماً از اصفهان جدا شد، و نماز جمعه، عیدین و دیگر مراسم مذهبی، دقیقاً بر مبنای آیین

در کوفه، احوص باوی خروج کرد و زید بن علی او را امیر لشکر خود گردانید.^۱

اشعریان در آبادانی شهر قم تلاش فراوان کردند و مردم قم را مردمانی سلحشور و ظلم ستیز پرورش دادند. از سال ۱۳۲ ق. از دادن خراج به خلفای دوران امتناع کردند و از آن تاریخ، شهر قم به صورت یک سرزمین نیمه مختار درآمد.

پس از تشریف فرمایی حضرت معصومه علیها السلام، قم رونق به سزایی پیدا کرد و پناهگاه مطمئنی برای دوستان اهل بیت و شیعیان شد، ولی با کمال تأسّف در حمله مغول به صورت تلی از خاک درآمد.

پس از حمله مغول، سلطان محمد خدا بنده به باز سازی آن همّت گماشت، ولی این بار شهر قم در مجاورت حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام ساخته شد و شهر جدید، حرم مطهر را چون نگینی درخشان در میان گرفت.

شجاعت، صداقت، اخلاص و هشیاری اشعریان موجب شد که شهر

۱. همان، ص ۲۴۵.

۲. گنجینه آثار قم، عباس فیض، قم، مهر استوار،

۱۳۴۹ ش، ج ۱، ص ۹۰.

تشییع برگزار می‌شد.

تشریف فرمایی حضرت

معصومه علیها السلام به قم

حدود نیم قرن پیش از تولد حضرت معصومه علیها السلام، رئیس مذهب جعفری، حضرت امام صادق علیه السلام از خاکسپاری آن حضرت در شهر قم خبر داده، می‌فرماید: «تَقْبِضُ فِيهَا امْرَأَةٌ هِيَ مِنْ وُلْدِي، وَاسْمُهَا فَاطِمَةُ بِنْتُ مُوسَى، تَدْخُلُ بِشَفَاعَتِهَا شَيْعَتُنَا الْجَنَّةَ بِأَجْمَعِهِمْ؛ بانویی از تبار من به نام فاطمه دخت موسی در آن شهر قبض روح می‌گردد [و به خاک سپرده می‌شود] که همه شیعیان ما با شفاعت او داخل بهشت می‌شوند.»^۱

حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام پس از استقرار در مرو، نامه‌ای نوشته، به تنها خواهر تنی‌اش حضرت معصومه علیها السلام ارسال می‌دارد که به مجرد وصول نامه، رخت سفر بربسته، به سوی خراسان حرکت کند.^۲

حضرت معصومه علیها السلام به مجرد وصول نامه به همراه پنج تن از برادران و شماری از برادر زادگان و تنی چند از غلامان و کنیزان مهیای سفر شده، به

سوی خراسان عزیمت نمود.

مأمون به والیان خود دستور داده بود که با علویان و سادات مهاجر به سوی خراسان به شدت برخورد کنند. از این رهگذر والی ساوه با این مجموعه که در محضر حضرت معصومه عازم خراسان بودند درگیر شده، همه همراهان حضرت را به خاک و خون کشید.

حضرت معصومه با دیدن پسیک‌های غرقه به خون ۲۳ تن از عزیزان خود به شدت محزون شد و به بیماری جانناکاهی مبتلا گردید.^۳ شیعیان قم از این حادثه دلخراش مطلع شده، به سوی ساوه عزیمت نمودند، و حضرت معصومه علیها السلام را به شهر قم دعوت کردند.

موسی بن خزرج، بزرگ اشعریها،

۱. النقص، عبد الجلیل قزوینی رازی، تحقیق محدث ارموی، تهران، انجمن آثار ملی ۱۳۵۸ ش، ص ۱۹۶.

۲. من لا یحضره الخطیب، سید داخل بن سید حسین، بیروت، ۱۴۱۲ ق، ج ۴، ص ۴۶۱.

۳. ریاض الانساب، میرزا محمدخان ملک الکتاب، تحقیق مظاهر حبیب‌پور، بمبئی، ۱۳۳۵ ق، ص ۲۰۱.

شخصاً زمام ناقه را به دوش کشید و حضرت معصومه علیها السلام در میان استقبال پر شور مردم قم وارد این سرزمین شده، و در محلی که امروز «میدان میر» نامیده می‌شود، اقامت گزید. اقامت آن حضرت در قم فقط ۱۷ روز طول کشید و محراب عبادتش در طول تاریخ به عنوان: «بیت النور» شهرت یافت که تاکنون زیارتگاه خاص و عام می‌باشد. حضرت معصومه علیها السلام سرانجام پیش از دیدار برادر بزرگوارش، در روز دهم ربیع الثانی ۲۰۱ ق. در دیار غربت، و در میان آه و اندوه فراوان رحلت نمود و شیعیان قم را در سوگ خود داغدار ساخت.^۱

جلوه‌های وجودی حضرت

معصومه علیها السلام

در دوران خفقان هارونی نَفَسها در سینه‌ها حبس بود، تنها نقطه‌ای که کانون مبارزه با زر و زور و تزویر هارون الرشید به شمار می‌رفت، دودمان امامت بود. در ایام زندانی بودن حضرت موسی بن جعفر علیه السلام همگان نگران سلامتی امام رضا علیه السلام بودند و عرضه می‌داشتند: از شمشیر

هارون خون می‌چکد و نام شما همواره بر سر زبانهاست.

امام رضا علیه السلام می‌فرمود: اگر هارون بتواند تار مویی از سر من کم کند، بدانید که من امام نیستم.^۲ هیچ خطری از وی متوجه من نمی‌شود.^۳ نه، هرگز چنین قدرتی ندارند.^۴

در یک چنین مکتبی حضرت معصومه علیها السلام با پشتگرمی حضرت رضا علیه السلام به تربیت برادران، خواهران، برادر زادگان، کنیزان و دیگر افراد مرتبط با خاندان امامت پرداخت.

با توجه به اینکه حضرت معصومه ۱۸ برادر و ۱۸ خواهر داشت، شمار دیگر افراد مرتبط با این خاندان،

۱. برای تحقیق بیشتر در تاریخ تولد و ارتحال آن حضرت مراجعه شود به: زندگانی کریمه اهل بیت، از نگارنده سطور، قم، نشر حاذق، چاپ دوم، ۱۳۸۴ ش، ص ۷۹-۸۶.

۲. روضه کافی، کلینی، تحقیق علی‌اکبر غفاری، بیروت، دار الاضواء، چاپ سوم، ۱۴۰۵ ق، ص ۲۱۴، ح ۳۷۱.

۳. اثبات الوصیة، مسعودی، نجف اشرف، مرتضویة، ۱۳۷۴ ق، ص ۱۷۴.

۴. عیون الاخبار، شیخ صدوق، ابو جعفر محمد بن علی بن بابویه، تحقیق سید محمد مهدی خراسانی، نجف اشرف، مطبعة حیدریة، ۱۳۹۰ ق، ج، ص ۲۲۸، باب ۴۹، ح ۳.

در اثر این موضع‌گیریها و ظلم ستیزیهاست که همه فرزندان امام کاظم علیه السلام از خانه و کاشانه خود مهاجرت نموده، در اقطار و اکناف جهان به نور افشانی و روشنگری پرداخته و غالباً با زهر جفا و یا تیغ اعداء به شهادت رسیده‌اند و اینک گنبد و بارگاه حرم باصفایشان چون مشعلی فروزان فرا راه شیعیان شیفته و ارادتمندان دلباخته شان، راه درست و مؤثر ظلم ستیزی را می‌آموزد.

نقش امامان در شکل‌گیری حوزه

علمیه قم

امامان معصوم علیهم السلام از راههای مختلف، شیعیان را برای عزیمت به قم، سکونت در قم و تجمع در این سرزمین فرا خوانده‌اند:

۱. بیان فضیلت زیارت حضرت

معصومه علیها السلام

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ

که همگی در تحت تربیت حضرت معصومه علیها السلام بودند، تا حدی روشن می‌شود.

مهم‌ترین دغدغه حضرت معصومه علیها السلام در تربیت این افراد دو چیز بود:

۱. پایداری و استقامت آن

مجموعه در اعتقاد راستین و عدم لغزش و انحراف آنها و نگهداری آنان از سقوط در دامهای دزدان عقیده، که به ویژه در دوران زندانی بودن امام کاظم علیه السلام از زرق و برق خاصی برخوردار بودند.

۲. حفاظت و حراست آنها از

تمایل به رژیم حاکم و شکار شدنشان به دست عمال هارون به شکل‌های مختلف و شگردهای گوناگون.

این نقش مهم حضرت

معصومه علیها السلام در این دو عرصه، او را از همه برادران و خواهران ممتاز کرده و به جایگاهی رسید که حضرت رضا علیه السلام در حق او می‌فرماید: «مَنْ زَارَ الْمَعْصُومَةَ

بِقَمِّ كَمَنْ زَارَنِي؛ هر کس حضرت معصومه را در قم زیارت کند، همانند کسی است که مرا زیارت کرده باشد.»^۱

۱. ناسخ التواریخ، میرزا محمدتقی خان سپهر، جلد امام کاظم علیه السلام، چاپ سنگی، به اهتمام سید سعید طباطبائی، مطبعه علمی، ۱۳۶۶ ق، ج ۳، ص ۶۸.

فرهیختگان، شیعیان اهل بیت، یاوران حضرت مهدی علیه السلام و... می باشند و محبت و ولایت اهل بیت با خاک و گل آنها آمیخته است.^۶

۴. تشویق به اقامت در شهر قم

امام صادق علیه السلام فرمود: «إِذَا عَمَّتِ الْبُلْدَانَ الْفِتْنُ فَعَلَيْكُمْ بِقُمْ وَحَوَالِهَا وَتَوَاحِیْهَا»^۷ هنگامی که همه شهرها را فتنه‌ها فرا گرفت، بر شما باد به قم و اطراف آن.

در حدیث دیگری فرمود: «وَنَعَمَ الْمَوْضِعُ قُمْ لِلْخَائِفِ الطَّائِفِ؛ قم چه پناهگاه خوبی است، برای افراد

زارها وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ»^۱ هر کس او را زیارت کند؛ بهشت بر او واجب می شود.

امام رضا علیه السلام می فرماید: «مَنْ زَارَهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ»^۲ هر کس او را زیارت کند، بهشت از آن اوست. و می فرماید: «مَنْ زَارَهَا عَارِفًا بِحَقِّهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ»^۳ هر کس او را زیارت کند در حالی که به حق او عارف باشد، بهشت از آن اوست.

امام جواد علیه السلام در این رابطه فرمود: «مَنْ زَارَ قَبْرَ عَمِّي بِقُمْ فَلَهُ الْجَنَّةُ»^۴ هر کس قبر عمه‌ام را در قم زیارت کند، بهشت از آن اوست.

۲. بیان قداست و فضیلت سرزمین قم

در همین گفتار احادیثی به این مضمون آوردیم که: تربت قم مقدس است، قم حرم اهل بیت است، قم جایگاه شیعیان است، قم جایگاه فاطمیان است، قم آشیانه آل محمد است، فرشته‌ای بالهایش را بر فراز شهر قم گسترده است و...^۵

۳. بیان فضیلت اهالی قم

و در همین مقال احادیثی به این مضمون آوردیم که: خوشا به حال اهل قم، که آنها فقیهان، دانشوران،

۱. تاریخ قم، ص ۲۱۴.

۲. عیون أخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۷۱، باب ۶۷، ح ۱.

۳. بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۲۶۵.

۴. کامل الزیارات، ابن قولویه، ابو القاسم جعفر بن محمد بن قولویه، تحقیق علامه امینی، نجف اشرف، مرتضویه، ۱۳۵۶ ق، ص ۳۲۴، باب ۱۰۶، ح ۲.

۵. منابع این احادیث را در همین مقاله آوردیم، علاقمندان جهت تحقیق بیشتر به کتاب: زندگانی کریمه اهل بیت، از نگارنده سطور، ص ۱۶۷-۱۸۴ مراجعه فرمایند.

۶. به منابع احادیث در همین مقال مراجعه فرمایید.

۷. تاریخ قم، ص ۹۷.

روزنامه‌ها، مجله‌ها و دیگر وسائل ارتباط جمعی از قم سرازیر می‌شود.

هم اکنون از بیش از یکصد کشور در قم طلبه داریم که پس از اتمام تحصیلات به کشور خود بازگشته، معارف اهل بیت را به اقصی نقاط عالم می‌رسانند و انوار درخشان اهل بیت را در کشورهای خود منعکس می‌کنند.

و این گوشه‌ای از جلوه‌های وجودی حضرت معصومه علیها السلام است که شناسنامه قم، راز و رمز قداست این شهر، پناهگاه مستضعفان جهان، تجلیگاه قبر گمشده حضرت فاطمه علیها السلام، محور تجمع یاوران حضرت ولی عصر علیها السلام در آستانه ظهور آن یکتا ذخیره خدا در روی زمین می‌باشد.



۱. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۴.

۲. تاریخ قم، ص ۹۹.

۳. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۳.

وحشت زده و دور از وطن»^۱

۵. نوید روزگاران خوش

امام صادق علیه السلام در فرازی از یک حدیث طولانی می‌فرماید: «وَتَكْتُمُ فِيهَا الْعِمَارَةَ، وَيَقْضُهَا النَّاسُ، وَيَجْتَمِعُونَ فِيهَا؛ عمارت [و ساختمان] در قم بسیار شود، مردم [از همه جا] به سوی قم روی آورند و در آنجا تجمع کنند»^۲

امام صادق علیه السلام در حدیث دیگری فرمود: «به زودی دانش از کوفه برچیده شود... در شهری به نام «قم» آشکار گردد، آنجا مرکز دانش و فضیلت گردد، دیگر یک نفر جاهل و مستضعف در دین باقی نمی‌ماند، حتی بانوان پرده نشین، و آن در نزدیکی ظهور قائم ما می‌باشد... در آن ایام به سرتاسر جهان، دانش از قم سرازیر می‌شود و حجت بر همگان تمام شود»^۳

این حدیث شریف امروز جامه عمل پوشیده و قم جایگاه خودش را در مراکز علمی جهان پیدا کرده و معارف اهل بیت به همه نقاط جهان به وسیله رسانه‌های گروهی، شبکه‌ها، ماهواره‌ها، کتابها، سی دیها،